

تنقیدی اصطلاحات

سلیم اختر. لاہور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۱۱. چاپ نخست، ۲۷۹ صفحہ.

علی بیات^۱

بررسی شکلی

از کتاب «تنقیدی اصطلاحات» می‌توان به عنوان منبع مرجع دروس ادبیات منظوم و منثور و نقد ادبی در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا استفاده کرد. کتاب دارای پیشگفتار، بیان صریح هدف، مقدمه کلی، فهرست تفصیلی است و طرح جلد، صفحه‌آرایی و صحافی آن خوب است.

تعداد غلط‌های چاپی چشم‌گیر و فراوان نیست. از برنامه "inpage" که در حقیقت نوعی برنامه مخصوص برای تایپ به اردو و فارسی (البته در شبه‌قاره) استفاده شده است. متأسفانه برنامه‌های تایپ اردو فاصله لازم بین کلمه‌ها را رعایت نمی‌کند و این مشکل دامن‌گیر خوانندگان، به ویژه خوانندگان عرب و ایرانی است. البته این یک مشکل نرم‌افزاری است و نویسندگان نرم‌افزارهای تایپ اردو باید فکری به حال آن بکنند. مثلاً در صفحه ۱۱۰ همین کتاب، جمله پایانی پاراگراف دوم، چنین نوشته شده است: «اندرون شہر کے خالص لاہوری رکوڑ میں تبدیل کر کے۔۔» در این جمله بعد از واژه «لاہوری»، بین حرف «ر» و «کو» و «ڑ» باید فاصله می‌بود تا خواننده آن را «رکوڑ» نخواند.

این کتاب به زبان اردو است و لاجرم باید آن را از لحاظ گرامر این زبان مورد بررسی قرار داد. دکتر سلیم اختر از ادیبان و پژوهشگران و منتقدان به نام دورۀ معاصر اردو در کل شبه قاره به شمار می‌رود. بنابراین، غلط گرامری خاصی از ایشان سر نزده است. این فرهنگ در اصل نوعی فرهنگ توصیفی است و نویسنده در توصیف اصطلاحات، به نحوی مطلوب و رسا و روان مطالب را بیان کرده است.

۱. دانشیار دانشگاه تهران.

بررسی محتوایی

نظم منطقی: می‌توان گفت تسلسل و انسجام در سطحی عالی است و نویسنده با رعایت ترتیب به تشریح اصطلاحات ادبی پرداخته است. همانگونه که از یک فرهنگ انتظار می‌رود. نویسنده بسته به اهمیت و میزان توضیح لازم برای افهام و تفهیم یک اصطلاح، نظم منطقی و انسجام لازم را نیز رعایت کرده است.

منابع: نویسنده در توضیح اغلب اصطلاحات از منابع خوبی استفاده کرده است. مثلاً در توضیح «مرثیه» از کتابی از جعفر حسین جونیپوری استفاده کرده و برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب‌هایی دیگر نیز اشاره کرده است (ص ۲۴۲). همچنین در توضیح اصطلاح «شاعری»، علاوه بر اشاره به منبع مورد استفاده خود، چند منبع دیگر را نیز معرفی کرده است (صفحه ۱۷۰). دکتر سلیم اختر در این اثر آنچنان که باید و شاید از منابع موجود در پاکستان استفاده نکرده است. مثلاً می‌توانست به فرهنگ‌های مختلفی چون «فرهنگ ادبی اصطلاحات» از پروفیسور کلیم‌الدین احمد، «فرهنگ اصطلاحات» از دکتر الهی‌بخش اختر اعوان، «کشف تنقیدی اصطلاحات» از ابوالاعجاز حفیظ صدیقی و «فرهنگ اصطلاحات علوم ادبی»، از دکتر عطش درانی و «مختب ادبی اصطلاحات» از دکتر سهیل احمدخان ... مراجعه کند. اما به غیر از چند مورد، بیشتر از کتاب‌هایی استفاده کرده که به طور مستقل در معرفی هر یک از اصطلاحات و البته نه به عنوان یک اصطلاح، که به عنوان یک نوع ادبی و یا تأثیرگذار در یک جریان ادبی در دوره‌ای خاص به نگارش در آمده‌اند. برای نمونه در صفحه ۱۳۸ مورد «رپورتاژ»، از کتاب «داستان تاریخ رپورتاژنگاری» از دکتر ظهیرالدین احمد استفاده کرده است. نکته جالب دیگر این است که برای برخی مدخل‌های خود هیچ منبعی را ذکر نکرده که شاید دلیلش شهرت مفهوم آن اصطلاح باشد. مثلاً در تعریف «رودیف» در صفحه ۱۴۰ و «مثث» و «مثن» در صفحه ۲۳۵.

نکته قابل ذکر در کتاب‌های اردو این است که حتی امروزه نیز از اصل ارجاع در متن کمتر استفاده می‌شود و ارجاعات در بیشتر موارد به صورت شماره‌گذاری در آخر هر باب و یا فصل و یا حتی گاهی ارجاعات هر حرف جداگانه در پایان کتاب می‌آید مانند «کشف تنقیدی اصطلاحات» از ابوالاعجاز حفیظ صدیقی. در اثر پیش رو، نوعی ارجاع در متن اعمال شده است. به این دلیل که نویسنده در بیشتر موارد با نام بردن از یکی از صاحب‌نظران در مورد هر مدخل، از نظریات آنها استفاده نموده و در پایان مبحث نشانی دقیق هر کتاب را ذکر کرده است. نکته جالب اینجاست که به صفحه یا صفحاتی که استفاده کرده، هیچ اشاره مستقیمی نکرده است. در برخی موارد

اصطلاحات به گونه‌ای شرح داده شده که مختصر و کوتاه هستند و با این توضیح مختصر نمی‌توان مفهوم اصطلاح موردنظر را به خواننده منتقل کرد.

به طور کلی شاید بتوان گفت بهتر بود، مؤلف از برخی از فرهنگ‌های مشهور استفاده می‌کرد و یا حداقل در مخالفت و یا موافقت با اصطلاحات ذکر شده در آنها و اثر خود اظهارنظر می‌کرد. شاید بتوان گفت با دیدن عنوان فرهنگ توضیحی ذهن خواننده بیشتر به سمت اصطلاحات تنقیدی معطوف می‌گردد، به طور مثال نقد استقرائی (Inductive Criticism)، نقد تاریخی (Historical Criticism)، نقد تحلیلی (Analytical Criticism)، زن‌سالاری (Feminism)، نقد تطبیقی (Comparative criticism)، رئالیسم (Realism) از آن دسته اصطلاحاتی هستند که در ادبیات نقد مورد استفاده قرار می‌گیرند و بیشتر نقادان ادبیات با این گونه اصطلاحات آشنایی دارند، اما سلیم اختر علاوه بر این دسته از اصطلاحات، اصناف شعر و نثر را نیز در این فرهنگ لغت جای داده است و به این ترتیب گستره فرهنگ مذکور از اصطلاحات نقد فرا رفته و تمام آن اصطلاحات و تعبیراتی را شامل شده است که در عرصه ادبیات شعر و نثر اردو کاربرد دارند.

تحلیل و بررسی: نویسنده در تحلیل‌های خود سعی نموده است که معلومات و تعاریف را بدون هیچ‌گونه جانبداری غیرمنطقی به خواننده منتقل نماید. در مورد اصطلاح «غزل» ابتدا در صفحات ۱۹۲-۱۹۳ تعریفی ارائه داده و سپس تحت عنوان «غزل، تجربات»، چهار صفحه توضیحات مستدل ارائه کرده است. در صفحات ۲۰۶-۲۰۸ به توضیح و بررسی کامل درباره «قافیه» پرداخته است. نکته‌ای که باز بدان باید اصرار ورزید این است که دکتر سلیم اختر، از فرهنگ‌های دیگر به طور مستقیم در رد و یا تأیید تعریف یک اصطلاح به طور مستقیم استفاده نکرده است. شاید به زعم وی پدیدآورندگان فرهنگ‌ها هم خود از این منابع دست اول استفاده کرده‌اند و در اینجا نیازی به استفاده و یا اشاره به نام آنها چندان ضروری نیست. به هر حال این توجیه چندان علمی و قابل قبول به نظر نمی‌رسد و به نظر می‌رسد بهتر بود از آنها استفاده کرده و یا اظهار نظری در ذیل یک مدخل به مفهوم آن در یکی از فرهنگ‌های مشهور اشاره می‌کرد. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر: در اغلب موارد، مدخل‌ها در اکثر فرهنگ‌های ادبی تکراری است. اما چنان که واضح است اصطلاحات بنا بر مقتضیات، ساخته می‌شوند و هرگز پایانی بر آنها متصور نیست. این فرهنگ نسبت به فرهنگ‌هایی که پیش از این نام‌برده شده‌اند، جدیدتر است، بنابراین برخی اصطلاحات برای نخستین بار در بین فرهنگ‌های ادبی اردو، در این

اثر آورده شده‌اند برای نمونه «فلیپ» (صفحه ۲۰۲)، «پارسک» (صفحه ۶۲). البته دکتر سلیم اختر در مقدمه کتاب اذعان نموده است که هرگز ادعایی بر کامل بودن کتاب خود در جمع‌آوری اصطلاحات ادبی ندارد، چه اینکه هر روز اصطلاحات جدید به وجود می‌آیند و این زایش دائمی خود مانع از دسترسی یک نفر به تمام اصطلاحات می‌شود. از سویی منابع در دسترس یک نفر، حتی در این روزگار هم محدود است و عملاً ایجاد محدودیت می‌کند. به هر حال باید گفت این اثر تا سال چاپ یعنی ۲۰۱۱ از کامل‌ترین آثار از این دست به شمار می‌رود.

نوآوری: اگر چه مدون سعی نموده است اصطلاحاتی را که در زبان‌ها و ادبیات خارجی وجود دارد مانند انگلیسی، فارسی و عربی به اردو نیز منتقل نماید تا محققین و دانش پژوهان زبان و ادبیات اردو بتوانند از این فرهنگ اصطلاحات ادبی بهره کافی را ببرند. اما به طور کلی باید گفت در این کتاب نوآوری خاصی قابل ملاحظه نیست. همانند اغلب فرهنگ‌های نوشته شده به زبان اردو، در این اثر هم ابتدا نام مدخل، سپس در صورت داشتن معادل انگلیسی، معادل آن و در ادامه توضیحات لازم ارائه شده است.

پرسش‌های مربوط به مبانی و پیش‌فرض‌ها: این اثر به عنوان یک فرهنگ در هر مدخلش، از ویژگی‌های علمی- پژوهشی برخوردار است. اصطلاح ادبی، تعاریف گوناگونی را می‌تواند در بر بگیرد، بنابراین ارائه یک تعریف خاص، فقط آن را محدود می‌کند. علی‌رغم عدم سوگیری از سوی نویسنده در این کتاب، بسنده کردن او در توصیف یک اصطلاح، به یک یا دو مرجع، گاهی به این جنبه از کار لطمه وارد کرده است.

انطباق و جامعیت: این اثر به عنوان یک فرهنگ، از فصل‌بندی خاصی برخوردار نیست. بلکه نویسنده آن را با ترتیب الفبائی، جمع‌آوری کرده و به این ترتیب، اصطلاحاتی را که با حرف خاصی شروع می‌شود را به نوعی در یک باب یا فصل گردآوری کرده است. از آنجا که این کتاب به عنوان یک منبع مرجع و کمکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، مطابقت دارد.

اصطلاحات تخصصی: معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این اثر به خوبی انجام شده است. شاید بتوان اشکالاتی را بر این اثر به شکلی دیگر هم گرفت. مثلاً در صفحه ۹۳ سلیم اختر تعریف مختصری از تقطیع ارائه داده است، درحالی که تقطیع موضوع گسترده‌ای است و به بحث بیشتری نیاز دارد. سلیم اختر می‌توانست با کمک از کتاب‌های تحقیقی درباره تقطیع مثال‌های شعری بیشتری بیاورد و به انواع و اقسام بحور و اوزان عروض و شعری اشاره نماید و در ذیل هر

بحر با ذکر مثال‌های گوناگون مطلب و مفهوم را به نحوی مطلوب به خواننده منتقل نماید. این نکته در جای خود از نقایص و معایب این فرهنگ است که می‌شود آن را در چاپ‌های آینده اصلاح نمود. علاوه بر این، در صفحه ۱۶۴ سلیم اختر اصطلاح «سَبْک» را به کار برده است که از لحاظ املائی و تلفظ اشتباه تایپ شده است. شکل نوشتاری این کلمه «سَبْک» است که در زبان فارسی نیز به همین گونه نوشته و تلفظ می‌شود. سلیم اختر در تعریف سبک به انواع سبک‌های شعر فارسی چون سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک جدید اشاره نموده است. در اصل سلیم اختر اطلاعات خود را در زمینه سبک‌شناسی زبان فارسی از کتاب دکتر ظهورالدین احمد «ایرانی ادب» حاصل نموده است. سلیم اختر سجع را این گونه تعریف کرده است: «شعر، عبارت یا جمله‌ای که معانی آن نیز ثابت بماند و در آن نام کسی ذکر شود. بنابراین سجع گویی، هنر یا هنرمندی نیز گفته می‌شود». این تعریف به طور کامل اشتباه است. چنانچه می‌دانیم سجع عبارت است از: «آوردن کلماتی است در پایان عبارات یا جملات منثور که در وزن یا حرف یا هر دو با هم یکسانی داشته باشند و به انواع مختلف مانند سجع متوازن، سجع مطرف و سجع متوازی تقسیم‌بندی می‌شود».

ارزشیابی کلی

دانشجویان ادبیات، در هر مرحله از مطالعات خود، با اصطلاحات ادبی روبرو می‌شوند که نویسندگان آثار مختلف فقط با استفاده از آن اصطلاح مناسب با بحث خود، از آن می‌گذرند و هیچ لزومی در توضیح آن اصطلاح نمی‌بینند. بنابراین وجود فرهنگی که بتواند، دانشجویان را با بحث آشتی بدهد و آنها بتوانند به راحتی ارتباط برقرار کنند، بسیار ضروری است. این اثر در دروس ادبیات اردو در دانشگاه‌ها و حتی برای تمام خوانندگان، می‌تواند مثمر ثمر باشد. بازنویسی تعاریف برخی از اصطلاحات و استفاده از منابع بیشتر پیشنهاد می‌شود.